

شازده کوچولو

نوشته

آنتوان دوست اگزوپری

ترجمه

محمد فاضلی



شرکت سهامی کتابهای جیبی
وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر
تهران، ۱۳۹۵

سرشناسه: سنت اگزوپری، آنتوان دو، ۱۹۴۴-۱۹۰۰.
 Saint Exupery, Antoine de.
 عنوان و نام پدیدآور: سازده کوچولو / آنتوان دو سنت اگزوپری؛ ترجمه محمد قاضی.
 وضعیت ویراست: [ویراست ۲].
 مشخصات نشر: تهران: امیرکبیر، کتابهای جیبی، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۱۱۹ ص. مصور.
 شابک: 978-964-303-025-4
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.
 یادداشت: عنوان اصلی: Le Petit Prince.
 یادداشت: چاپ پنجاهوششم: ۱۳۹۵.
 موضوع: ادبیات / های فرانسوی -- قرن ۲۰ م.
 شناسه: قاضی، محمد، ۱۳۹۲-۱۳۷۶، مترجم.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ش ۲ ن ۲۶۲۳/ PQ
 رده‌بندی دهی: ۸۴۳/۹۱
 شماره ثبت‌نویسی: ۴۰۵۴۳۳۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۳-۰۲۵-۴



شرکت کتابهای جیبی
 وابسته به مؤسسه انتشارات امیرکبیر

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، میدان استقلال، صندوق پستی: ۱۱۳۶۵-۴۱۹۱

سازده کوچولو

© حق چاپ: ۱۳۹۵، مؤسسه انتشارات امیرکبیر

نوبت چاپ: پنجاهوششم

نویسنده: آنتوان دو سنت اگزوپری

مترجم: محمد قاضی

حروف متن: کامیوست ۱۴

چاپ و صحافی و لیتوگرافی: طرفه، تلفن: ۵۵۲۶۹۲۸۷-۸

شمارگان: ۵۰۰۰

بها: ۴۰۰۰۰ ریال

تلفن مرکز فروش: ۰۲۱-۶۱۲۸

فروش اینترنتی: www.amirkabir.net

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از ریزاکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

مقدمه

انتوران در سنت اگزوپری^۱ فرزند سوم ژان دو سنت اگزوپری به دنیا آمد. او در شهر لیون زاده شد. پدر و مادر او اصلاً اهل لیون نبودند، در آن شهر نیز سکونت نداشتند، بنابراین تولد آنتوان در بونامری کاملاً اتفاقی بود.

چهارده ساله بود که پدرش مرد، و از آن پس نگهداری و تربیت او به دوش مادرش افتاد. وران کودکی او با یک برادر و سه خواهرش در سن موریس^۲ و مول^۳ که املاک مادر بزرگش در آنجا بود سپری شد. او دوره دبستان را در مان^۴ به پایان رسانید. در آغاز دوره دبیرستان پیش یکی از استادان موسیقی به آموختن ویلن پرداخت. یکخانه به مادرش فرانسوا به سال ۱۹۱۷ به بیماری روماتیسم قلبی درگذشت و بار مسئولیت گذران خانواده یکباره به گردن او افتاد. آنتوان برای انجام خدمت سربازی به نیروی هوایی پیوست و

1. Antoine de saint Exupéry

2. Saint Maurice

3. Môle

4. Mans

در سیر دو سال خدمت، فن خلبانی و مکانیک آن را فراگرفت، چنان که از زمره هوانوردان خوب و زبردست ارتش فرانسه به شمار می‌رفت. در ۱۹۲۳ دوره خدمت وظیفه را به پایان رسانید و می‌خواست دوباره به زندگی کشوری بازگردد، و حتی مدتی نیز به کارهای گوناگون پرداخت، لیکن آخر به راه‌نمایی و اصرار یکی از فرماندهان نیروی هوایی که سخت به او علاقه‌مند بود به خدمت دائمی ارتش درآمد.

آن‌ران در دوران تحصیل در دبستان و دانشکده گاهی ذوق و قریح شاعری و نویسندگی خود را با نگاشتن و سرودن می‌آزمود. اغلب نیز مورد تشویق و تقدیر دبیران و استادانش قرار می‌گرفت. بانک در خدمت نیروی هوایی با پروازهای بسیارش به سرزمین‌های گوناگون و به میان ملت‌های مختلف با زیبایی‌های طبیعت و چشم‌اندازهای متنوع جهان و با جامعه‌های گوناگون آشنا می‌شد و طبع حساس و نکته‌سنجش بیش از پیش الهام می‌گرفت و از هر خرمی خوشه‌ای می‌یافت.

در ۱۹۲۵ داستان کوتاهی از او به نام «مانون»^۱ در یکی از مجله‌های پاریس انتشار یافت. اما کسی او را در زمره نویسندگان به شمار نیاورد، و خود او نیز هنوز به راستی گمان نویسندگی به خود نمی‌برد. در همین اوان بود که به یک مأموریت سیاسی به میان قبایل صحرائشین مور در جنوب مراکش که تبعه اسپانیا بودند رفت، و چون به خوبی از عهده

اجرای این مأموریت برآمد مورد تشویق فرماندهان و زمامداران وقت قرار گرفت. «پیک جنوب»^۱ اثر دیگر اگزوپری یادگار زمانی است که نویسنده هوانورد در میان قبایل صحرانشین جنوب مراکش به سر می‌برد. هنگام بازگشت به فرانسه نخستین رهاوردی که با خود آورد، نسخه خطی کتاب «پیک جنوب» بود. او این نوشته را به وسیله پسرعمویش به چند تن از ادیبان و نویسندگان فرانسه نشان داد، و آنان به تدریج از حد انتظار تشویقش کردند. در همین اوان، یکی از ناشران سرشناس پاریس قراردادی برای انتشار «پیک جنوب» و چند نوشته دیگر با او بست، و آنگاه نویسنده جوان به ارزش نوشته‌ها پرداخت.

در ۱۹۲۷ برای انجام مأموریت دیگری به امریکای جنوبی رفت، و در آنجا وقت بختی برای پیگیری افکار خویش یافت. دو کتاب جالب او به نام «زمین انسان‌ها»^۲ و «پرواز شبانه»^۳ یادگار آن زمان است.

در ۱۹۳۰ بار دیگر به فرانسه بازگشت و در شهر آگه^۴ که مادر و خواهرش هنوز در آنجا اقامت داشتند، اقامت گزید. اثر زیبای او به نام «پرواز شبانه» که مورد تقدیر و تحسین آندره ژید نویسنده بزرگ فرانسوی واقع شده بود، منتشر گردید و چندی نگذشت که به چند زبان اروپایی ترجمه شد. و مقام ادبی و شخصیت هنری اگزوپری را به اثبات رسانید.

1. Courrier sud

2. Terre des Hommes

3. Vol de Nuit

4. Agay

در ۱۹۳۵ با هواپیمای خود گردشی در اطراف کشورهای مدیترانه کرد و بیش از پیش با زیبایی‌های آن محیط آشنا شد. سپس در کشورهای آلمان نازی و اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحد آمریکا به گردش پرداخت و از هر یک از آن کشورها و از این سفرهای تفریحی و سیاسی نوشته‌ای اندوخت و ارمغانی آورد که در روزنامه‌ها و مجله‌های پاریس به چاپ می‌رسید. در ۱۹۳۸ از آمریکا بازگشت ولی چون بر اثر یک سانحه هوایی در گواتمالا که برای هواپیمای او پیش آمد سخت آسیب دیده بود، مدتی بستری شد.

در ۱۹۳۹ اثر معروف او به نام «زمین انسان‌ها» (که به وسیله دوست فاضلم سرخس سی به فارسی ترجمه شده است) برای نخستین بار منتشر شد و چون مورد توجه واقع شد که از طرف فرهنگستان فرانسه به دریافت جایزه ادبی نایل آمد.

اگزوپری در همان سال بار دیگر به آلمان رفت و به رهبری اوتو آبتز^۱ رجل سیاسی آلمان نازی و مدیر انجمن روابط فرهنگی آلمان و فرانسه از مدارس برلین و از دانشگاه دیدن کرد. به هنگام بازدید از دانشگاه، از استادان پرسید که آیا دانشجویان می‌توانند هر نوع کتابی را مطالعه کنند. استادان جواب دادند که دانشجویان برای مطالعه هر نوع کتابی که بخواهند آزادند ولی در شیوه برداشت و نتیجه‌گیری اختیار ندارند، زیرا جوانان آلمان نازی بجز اشعار «آلمان بالای همه» نباید نظر و عقیده‌ای داشته باشند. اگزوپری در همان چند ساعتی که در دانشگاه و در دبیرستان‌ها به بازدید گذراند از

فریاد مداوم «زنده باد هیتلر» و از صدای برخورد چکمه‌ها و مهمیزها ناراحت شد، وقتی به منزل خود در هتل باز می‌گشت به اوتو آبتز گفت:

— من از این تیپ آدم‌ها که شما می‌سازید خوشم نیامد. در این جوان‌ها اصلاً روح نیست و همه به عروسک کوکی می‌مانند... اوتو آبتز بسیار کوشید تا با تشریح آراء و نظرات حزب نازی نظر نویسنده جوان را با خود همداستان کند ولی سودی نبرد.

پس از تسلیم کشور فرانسه به قوای آلمان، اگزوپری به امریکا تبعید شد. کتاب‌های زیبایی چون «قلعه»^۱ و «شازده کوچولو»^۲ و «خلبان جنگی»^۳ را در سال‌های تبعید نوشت.

به هنگام گشایش جبهه غرب و پیاده شدن قوای متفقین در سواحل فرانسه، دیگر بار به ادبوم خویش بازگشت و با درجه سرهنگی نیروی هوایی دوشینش سربازان و افسران متفق برای نجات میهن از یوغ فاشیسم جان در کف نهاد. در ۲۱ ژوئیه ۱۹۴۴ که برای پرواز اکتشافی فرانسه اشغال‌شده از جزیره کرس به پرواز درآمده بود سگاز هواپیماهای شکاری آلمان شد و دیگر به فرودگاه خود بازگشت.

می‌گویند چندی بعد، از گزارش افسر آلمانی به دست فرماندهی خود معلوم شد که یکی از افسران مقتول دشمن همان آنتوان دو سنت اگزوپری بوده است. از شگفتی‌های تصادف، افسر گزارش‌دهنده، خود یکی از علاقه‌مندان به آثار

1. Citadelle

2. Le Petit Prince

3. Pilote de Guerre

اگزوپری و از مترجمان آلمانی یکی دو نوشته او بود و آنقدر از آن ضایعه اسفناک اندوهگین شد که مدتی گریست.

اگزوپری نویسنده‌ای است انساندوست، نازک‌خیال، باذوق و توانا، شیوه نگارشش بسیار ساده و شیرین و روان و سهل و ممتنع است. مطالب ژرف فلسفی را در قالب عبارت‌های بسیار ساده و کوتاه و تقریباً بچگانه چنان استادانه می‌ریزد که خواننده را مجذوب و مسحور زیبایی کلام و بلندی فکر می‌کند.

شماره کارش «سازده کوچولو» اثری است خیال‌انگیز و زیبا که فلسفه درست داشتن و عواطف انسانی در خلال سطرهای آن به ساده‌ترین و در عین حال عمیق‌ترین شکل تجزیه و تحلیل شده و نویسنده در سراسر کتاب کسانی را که با غوطه‌ور شدن و دل بستن به مادیات به ایندن کردن به تعصب‌ها و خودخواهی‌ها و اندیشه‌های خرافاتی بیجا از راهی و پاکی و خوی انسانی به دور افتاده‌اند زیر نام «آدم‌بزرگ‌ها» به باد مسخره گرفته است. نیشی که این نویسنده شیرین‌گوی کخته، نه به «آدم‌بزرگ‌های» آزمند و خودبین می‌زند در بسیاری موارد یادآور نیش عارفانه حافظ شیرین‌سخن و مولای بزرگ روم است. این خواننده را بی‌اختیار به یاد آن دو شاعر والای جامعه بشری می‌اندازد. «سازده کوچولو» شعری است منشور و نثری است شاعرانه که جدا از شیوه زیبای نگارش آن سرشار از جهانی فکر و لطف و معنی است.

در فرانسه، درباره این مرد باذوق که مسلماً جنبه ادبی و شخصیت هنری‌اش بر مقام نظامی‌اش می‌چربد مقاله‌ها و کتاب‌ها نوشته و کنفرانس‌ها داده‌اند. این مختصر که در اینجا

به صورت مقدمه آورده شده اقتباسی است از یک کتاب نفیس دربارهٔ زندگی و ویژگی‌های ذوق و هنر او به قلم پی‌یر شوریه^۱ که در ۳۳۰ صفحه در پاریس به چاپ رسیده است. کتاب را خود نویسنده مصور کرده است.

خوشحالم که ترجمهٔ فارسی این کتاب با استقبال پرشور خوانندگان فارسی‌زبان روبرو بوده و حتی برای کسانی که من از ذوق سلیم و طبع شاعرانه‌ای برخوردارند، این اثر به صورت کتاب بالینی ایشان درآمده است. چاپ نخست آن در ۱۳۳۳ به وسیلهٔ کتابخانهٔ ایران منتشر شد و برای بار دوم در مهرماه ۱۳۴۱ در کتاب «فته» به چاپ رسید. از آن پس، چاپ‌های سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و هشتم آن به وسیلهٔ انتشارات امیرکبیر انتشار یافته و اینک در آستانهٔ هشتمین چاپ است، و همین خود مؤلف استقبال گرم فارسی‌زبانان از این اثر زیبا است و من از این بابت بسیار به خود می‌بالم.

برای چاپ هشتم لازم دانستم یک بار دیگر تمام ترجمه را با متن فرانسهٔ آن تطبیق کنم و تا آنجا که امکان دارد آن را از هر عیب و نقصی بپیرایم و ضمناً هرچه ممکن است، نشر ترجمه را ساده‌تر و به سبک متن اصلی نزدیک‌تر کنم. امیدوارم که در این راه توفیق یافته باشیم.

محمد قاضی